

# ایران

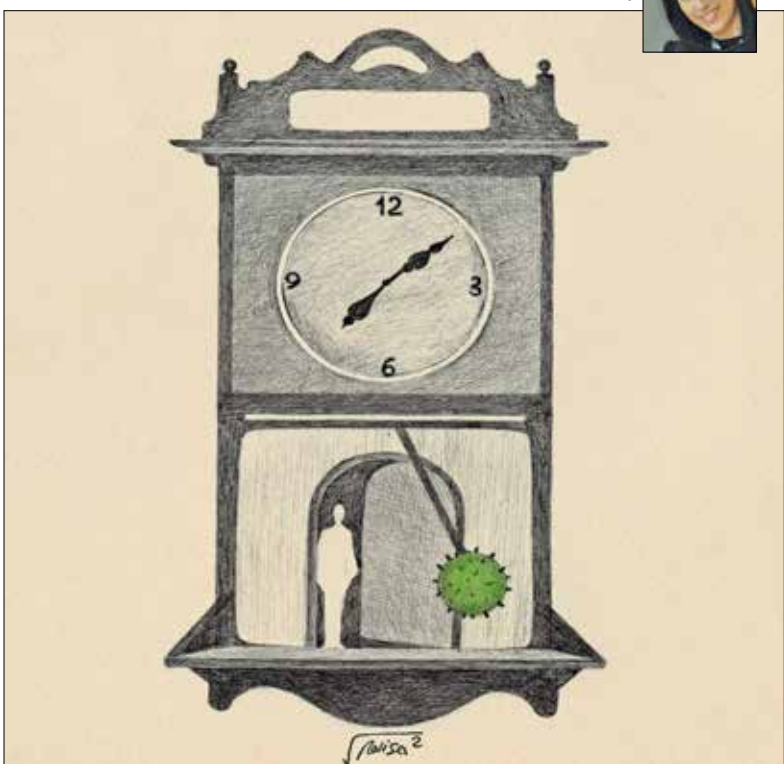
صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی  
مدیرمسئول: مهدی شفیعی  
سرمدبیر: جواد دلیری

اِذانِ قَهر ۱۱/۵۷ | اِذانِ مغرب ۱۸/۱۲ | نیمه شب شرعی ۲۳/۱۴ | اِذانِ صبح فردا ۴/۳۳ | طلوع آفتاب فردا ۵/۵۷

امام‌زمان (عج):

برای شتاب در گشایش حقیقی و کامل، بسیار دعا کنید:زیرا، همانا، فَرَح شما در آن است.

**سخن روز**



## #واکسن\_آنفلوانزا

خبر ارسال ۱۵۰۰ واکسن آنفلوانزا به مجلس دوباره نام مجلس را در شبکه‌های اجتماعی سر زاین انداخت و ترند کرد. از روز پنجشنبه که خبر منتشر شد کاربران به این کار انتقاد کردند و از مشکلات‌شان برای پیدا کردن این واکسن نوشتند. دیروز هم بحث اینکه مجلس باعث پس دادن دنایاس‌های ۲۰۰ میلیونی نشد؟»، «آیا می‌دانید مجلس ۸۰۰۰ کارمند و بازنشسته داره و ۲۰۰ بیمار صعب‌العلاج داره و داروخانه مجلس مثل تمام داروخانه‌ها درخواست واکسن آنفلوانزا کرده بود نه برای نماینده‌ها بعدش هم همه را پس داد البته یادمون هست مجلس قبلی تمام نماینده‌ها کیت تست کرونا و شاسی بلند گرفتند»، «خروجی مجلس انقلابی به جز دنا پلاس توریو و شاسی بلند و واکسن آنفلوانزا و انتصاب بذراش چی بوده تا حالا؟»، «برای ۲۹۰ نماینده مجلس ۱۵۰۰ واکسن آنفلوانزا و چند برابر نیازشون بذل و بخشش کردن. بعد ۱۶ میلیون ایرانی مبتلا به سرطان و آسیب پذیر دریه در دفترچه به دست دنبال واکسن آنفلوانزا در داروخونه‌ها هستن و ایران فقط تونسته ۱.۵ میلیون واکسن وارد کنه»،

«آقا گمنام ۱۶۱ ندارین؟
ساله»
فیلمی که از مادری یکی از شهدای گمنام در شبکه‌های

**ماجر ا**

اجتماعی منتشر شد همه را تحت تأثیر قرار داد. این مادر در یکی از مراسم تشییع پیکر شهید به‌دنبال فرزندش می‌گشت و فیلمش دست به دست در شبکه‌های اجتماعی چرخید و باعث شد همه با غم و درد از فداکاری‌های شهدا و مادران‌شان بنویسند. البته کاربارنی هم درباره این مادر و فرزندش اطلاعاتی در اختیار دیگران گذاشتند: «گمنام ۶۱، سומר داری؟ این ویدیو بخش‌هایی از مستند «روایای بارانی» ساخته احمد شریف‌زاده است. این مستند درباره مادر شهید بهروز صوری است این کلیپ سال ۸۴ و همزمان با تشییع پیکر تعدادی از شهدای گمنام در روز شهادت امام جعفر صادق(ع)تصویربرداری شد»، «اون گمنام شصت و یکی، هجده ساله. سומר. که مادری که دنبالش میگشت ایشونه. شهید بهروز صوری. سال ۸۹ به‌عنوان شهید گمنام تو بوشر به خاک سپرده میشه. سال ۹۲ با آزمایش شناسایی ودر صحن امامزاده حسن تهران تشییع میشه.»، «آقا:



بخشی از گفت‌وگوی این بازیگر با خبرنگار ایسنا

هنرمندان موسیقی از انتظارات خود از خانه موسیقی می‌گویند

## زیرساخت‌های اصولی برای یک انتخابات درست

هرانتخاباتی ملزم است براساس قانون و چارچوب تعریف شده شکل گرفته و عمل کند. این موضوع درباره انتخابات خانه موسیقی هم صدق می‌کند بنابراین حال که قراراست دوره جدیدانتخابات این خانه برگزارشود باید درهله اول به اساسنامه آن رجوع و تمامی بندها و تبصره‌های آن اجرا گردد. اما درحال حاضر و بنا برشرایط حاکم برجامعه اگر تصمیم است این انتخابات را به طریق الکترونیکی برگزار کنند ابتدا باید بدانیم آیا اساسنامه اجازه می‌دهد وزیرساخت‌ها وامکانات لازم وجود دارد یا خیر! چرا که درانتخابات بسیارمهم تری همچون مجلس و دولت نیزهنوز نتوانسته‌اند به زیر ساخت درستی برای فضای مجازی دست پیدا کنند! اگر انتخابات الکترونیکی شکل گیرد حالت خوبی خواهد داشت به این دلیل که باید همراه با تکنولوژی روز دنیا حرکت شده و ریشه این کاغذ بازی‌های اداری به نوعی برکنده می‌شود.

نکته دیگر، انتقادات برخی ازاهالی موسیقی براعضای خانه موسیقی است چرا که برخی ازاین دوستان براین نظرنند اعضای این خانه به وظایف خود بدرستی عمل نکرده‌اند. البته نمی‌توانیم اینگونه قضاوت کنیم چرا که تا حدودی این وظایف رعایت می‌شود اما اینکه قاطبه هنرمندان گلابه‌مند هستند و هنرمندان سرشناس دیگر رفت و آمد نمی‌کنند موضوع دیگری است. به‌طورکلی باید رفتارهای خودخواهانه و نگاه از بالا به پایین در این به اصطلاح خانه برداشته شود واین اصلاحات انجام شود تا تمامی اعضای این مجمع که گفته می‌شود ۱۷ هزار نفر عضو دارد در انتخابات شرکت داشته و حضور مؤثر داشته باشند اما متأسفانه می‌بینیم درمجموع کلاً کمیته‌ها ۴۰۰ نفر هم دراین انتخابات جمعی شرکت ندارد و نشان از این است که خانه موسیقی به یک بازیبنی کلی نیاز دارد و درین هنرمندان اعتمادسازی به‌وجود نیامده تا شاهد یک انتخابات واقعی با حضورجمعی هنرمندان باشیم، انتخاباتی که بتواند خانه موسیقی را بنویا نگاه دارد و از تکرار ورخوت و مسائل درون گروهی برون سپاری شود و به‌عنوان یک صنف واقعی عمل کند. لازم به ذکر است متأسفانه خانه موسیقی تا به امروز در

### وزانت دانشگاهی کجاست؟!

چندی پیش رئیس جمهوری به مناسبت بازگشایی مدارس و دانشگاهی اعلام کردند، این گونه مراکز آموزشی نیازمند نوعی نظم پادگانی هستند. صرف نظر از این که نگارنده معتقد است چه با کرونا و چه بی کرونا، مدارس و بویژه دانشگاه‌ها همواره نیازمند نظم پادگانی هستند. لازم است به یک نکته بسیار مهم اشاره شود. مدت هاست واژه «استاد» در ادبیات عامیانه تبدیل به یک فحش یا دست‌کم تبدیل به یک کنایه شده است. آیا مسئولان وزارت علوم به این فکر کرده‌اند که چرا چنین رویکردی در میان آحاد

مردم به وقوع پیوسته است؟ شغلی که با عشق همراه است و در دین مبین ما معلمی شغل ایند دانسته شده است؟

بباییم به این مشکل از دوپایه نگاه کنیم. در میان استادان دانشگاهی به چه تعداد استاد برمی‌خوریم که از وزانت دانشگاهی برخوردار باشند؟ استادی که در مقالبه‌ای دارد و نه حتی یک کتاب چگونه می‌تواند مدعی استادی باشد؟! استادانی که به شکل مستمر قویانین دانشگاهی را زیر پا گذاشته و نهایت تلاششان جلب نظر و محبت دانشجویان – به هر قیمت – است، چگونه می‌توانند در این جایگاه به ایفای نقش بپردازند؟ بدین ترتیب نتیجه در بخش بعدی این نوشتار پدیدار شده و خود را به نمایش می‌گذارد. امروزه فضای دانشگاهی تبدیل به یک فضای دانشجو سالار شده است؛ بسیاری از دانشجویان به جای علم اندوزی و تلاش، با انواع ترفندها تلاش می‌کنند تا نمرات هرچه بیشتری از استادان خود کسب کنند. بحث استعدادهای درخشان (رود به مقطع تحصیلی بالاتر بدون دادن کنکور) نیز به این مسأله دامن زده است؛ در این میان، چنین استادانی نیز با دادن بیاج به دانشجویان از طریق همراهی و دادن نمرات بالای بدون پشتوانه علمی، سعی می‌کنند رضایت آنها را جلب و بر محبوبیت ظاهری خود بیفزایند. جالب اینجاست که این گونه‌استادان بسرعت یکدیگر را یافته و تیم بشند تعالی را تشکیل می‌دهند؛ از آن جالب‌ترین که این قبیل استادان در برابر استادانی که بحق سختگیری کرده و از دانشجویان کار درست و اساسی می‌خواهند قرار گرفته و آنها را به انزوای می‌کشانند. بدین ترتیب نسلی از دانشجویان پدید می‌آید که بدون کمترین سواد و دانش لازم، با نمرات بالا فارغ‌التحصیل شده و مدرک یک رشته دانشگاهی را از آن خود می‌کنند. شیوع کرونا هم به این موضوع دامن زده و منجر به سوءاستفاده بسیاری از دانشجویان و استادان مرید آنها شده است. بدین ترتیب به نظر می‌رسد، طبق دستور رئیس جمهوری محترم، وزارت علوم باید فکری اساسی برای این معضل که هر روز شدیدتری می‌شود کرده و قانون‌گرایی در دانشگاه‌ها را بدون کوچک‌ترین اغماض در دستور کار خود قرار دهد.

### حسرت‌های مسعود کرامتی در فراق رسول ملاقلی‌پور

**مسعود کرامتی:** قرار است اسمال در اختتامیه شانزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «مقاومت»، «نشان رسول» (یادمان رسول ملاقلی‌پور) به سینماگر خلاق در حوزه انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و مقاومت اهدا شود. یکی از حسرت‌های من این است که رسول ملاقلی‌پور چرا این قدر زود و ناگهانی رفت و اگر امروز بود حتماً می‌توانستیم شاهد اتفاقات بهتری از او باشیم. به‌نظر من رسول دوباره اگر برگشت و «هیو» یا «مزرعه پدری» را ساخت به این معنا نبود که این سینما را رها کرده است. به طور کلی اکثر آثارش اجتماعی بود و بیشتر به سمت سینمای روایی، قصه‌گو و کاراکترمحور پیش رفت و این جنس را سینما را تجربه کرد. قطعاً اگر امروز می‌بود، نگاهش خاص‌تر می‌شد و حتی اگر می‌خواست سینمای دفاع مقدس کار کند این نگاه متفاوت می‌بود. به‌هر صورت «مزرعه پدری» رسول شاهد این ادعاست که این فیلم یک کار رشته رفته و گردن کلفت در سینمای دفاع مقدس است.

بخشی از گفت‌وگوی این بازیگر با خبرنگار ایسنا

وزارت کار به ثبت نرسیده تا مجلس شورای اسلامی بند و تبصره‌ای برای آن قائل شود بلکه مؤسسه‌ای است مانند مؤسسه‌های دیگر که در کشور فعالیت می‌کنند تحت‌نظر و مجوزهای دفتر موسیقی...

اما صنف خانه سینما در وزارت کار به ثبت رسیده و اساسنامه آن به‌صورت قانونی عمل می‌شود و قرار بود برای خانه موسیقی هم این اتفاق صورت بگیرد این درحالی است که اهم فعالیت خانه موسیقی پیگیری بیمه هنرمندان است که تنها با ارائه یک لیست به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی این موضوع را پیگیری می‌کنند و مورد اعتماد معاونت هنری و دفتر موسیقی است چرا که زیر مجموعه آن محسوب می‌شود این درحالی است که معاونت هنری می‌تواند از جای دیگری صلاح‌اندیشی و این بیمه را پرداخت کند پس منتی بر این جماعت نیست و این بیانگر آن است که باید در اساسنامه خانه موسیقی با لاییشی صورت بگیرد و با احترام به حضور و تلاش پیشکسوتان از حضور نیروهای تازه‌نفس و جوانان نخبه دانشگاهی هم بهره‌برند.

مهم‌ترین وظیفه خانه موسیقی ایجاد همدلی بین تمامی هنرمندان و ژانرها و اقوام موسیقی است اما این اتفاق تا به امروز بدرستی صورت نگرفته و این‌خانه حتی محلی برای رفت و آمد تمامی هنرمندان هم نیست. موسیقی هم همچنان در کشورمان وضعیت نا معلومی دارد مانند سند موسیقی که تا به امروز به تصویب نرسیده است البته عده‌ای موافق تصویب آن هستند وعده‌ای مخالف آن و معتقدند اگر این سند تصویب شود، معضل بسیار بزرگی بر سر راه موسیقی خواهد بود. البته مسئولان دولتی طی این سال‌ها همچنان تلاش دارند قدمی برای موسیقی برداشته شود به‌طور مثال در ابتدای دولت پاز دهم دکتر روحانی ارگسترهای تعطیل شده سمفونیک و ملی را احیا کرد و بودجه بسیار خوبی هم اختصاص یافت اما می‌بینید که امروز به چه روزی افتاده است و سرمایه‌های مادی و معنوی هدر می‌رود. بدنه دولت تمایل دارد موسیقی را جدی بگیرد و این دغدغه وجود دارد اما این تکیاو کافی نیست و باید برنامه‌ریزی و سیاستگذاری درستی شکل بگیرد تا اتفاقی که برای خانه هنرمندان رخ داده است گریبانگیر دیگرصنوف هنری نشود. قطعاً تکرار این موضوعات موجب خدشه دار شدن آینده هنری هنرمندان هنر کشور است.

### همه چیز درباره خرمشهر

بازپس‌گیری خرمشهر پس از ۵۷۶ روزی که از اشغال آن توسط نیروهای بعثی می‌گذشت یکی از عملیات‌های مهم جنگ تحمیلی عراق علیه کشورمان است، رویدادی که کمتر کسی است درباره‌اش نداند؛ حتی اگر متولد دهه‌هایی نباشید که به شکلی جنگ و وقایع آن را لمس کرده‌اند باز هم فرقی ندارد چراکه «بیت المقدس»، آئندرس عملیات مهمی بوده که درباره‌اش شنیده باشیم. بنابر این عجیب نیست وقوع اتفاقاتی که در نهایت به آزادسازی تاریخی این شهر انجامیده، طی دهه‌هایی که از جنگ گذشته دستمایه خلق آثار ادبی و همچنین موسیقایی و حتی سینمایی- تلویزیونی مختلف شده باشد. شبیه آنچه در زمان «ایران شهر» یکی از آخرین نوشته‌های محمدحسن شهنسوری می‌خوانیم؛ البته او درباره این اشغال و آزادی‌سازی اش نوشته و کمی عقب‌تر رفته است. از هنگامی که جنگ آغاز می‌شود تا زمانی که خرمشهر به تصرف عراقی‌ها درمی‌آید و این دقیقاً همان جایی است که ماجرای چندگانه شهنسوری تمام می‌شود. او به سراغ روزهای ابتدایی جنگ در این شهر جنوبی رفته، همان زمانی که نبرد هنوز شکل حرفه‌ای نظامی نیافته بود و طیف‌های مختلف مردم و گروه‌های نظامی در آن حضور داشتند. اما شاید جالب باشد بدانید شهنسوری هم از جنس نویسندگانی است که تنها وقتی به سراغ موضوعاتی اینچنینی می‌روند که تحقیق و مطالعات بسیاری به خرج داده باشند. شخصیت‌های اصلی این چندگانه، ۱۳ نفر هستند که نویسنده در جلد نخست تنها هفت نفرشان را معرفی کرده، او برای آشنایی هرچه بیشتر با شخصیت‌های مذکور نه تنها مصاحبه‌های مختلفی انجام داده بلکه از مرز شلمچه تا پل خرمشهر، محله به محله رفته و فیلم گرفته تا به

تصویر کامل تری از خط مقاومت دست پیدا کند. بعضی از این شخصیت‌ها افراد نظامی و عده‌ای هم مردم عادی هستند اما بگذراید به نکات بیشتری درباره داستان اشاره نشود، ایران شهر را بخوانید و با بخشی از تاریخ دفاع مقدس آشنا شوید که از آغاز جنگ تا سقوط خرمشهر را شامل می‌شود.

**رمان «ایران شهر»**

**محمدحسن شهنسوری**

**انتشارات شهرستان ادب**



**فرمانده‌ای که همراهش آمده بودیم، «برادران**

**حتماً افراد کمکی همراهشان**

**باشند، درغیراین صورت همین**

**جایمانند.»**

**باین حرف، من**

**مجبور شدم که همان جادر**

**کنار رزمندگان دیگر بمانم. در**

**مدت یکی دوساعتی که آنجا**

**بودم، تعداد زیادی از اطرافیانم**

**شهید شدند.**

**بختی از کتاب «فرمانده من»**

**به نویسندگی**

**فرمانده جنگ**

**۹**

**روز صد و نود و یکم از سال هم پراز نام‌های**

**مهم و بزرگ هنر و فرهنگ است که این روز**

**بهنای است برای نوشتن و خواندن درباره آنها.**

**تولها**

**کمال تبریزی:** کارگردان ایرانی سال ۱۳۳۸ در چنین روزی به دنیا آمد. کمال تبریزی مسئول بخش آموزش مرکز اسلامی آموزش فیلمسازی بود و سال ۶۲ با فیلم «غیب» به‌عنوان فیلمبردار و فیلم «هویت» به‌عنوان دستیار ابراهیم حاتمی کیا کارش را به‌صورت جدی آغاز کرد. سال ۷۴ با کارگردانی «لیلی با من است» به شهرت رسید و سمیرغ بلورین بهترین فیلمنامه را هم گرفت. «مهر مادری»، «شید»، «گاهی به آسمان نگاه کن» و «فرش باد» دیگر فیلم‌های او قبل از فیلم جتجالی «مارمولک» بودند که سال ۱۳۸۳ ساخته شد. فیلمی که توقیف شد اما از جشنواره فیلم سیدنی جایزه بهترین فیلم را برد و پس از آن با «یک تکه نان» سمیرغ بلورین بهترین کارگردانی را گرفت. سریال‌های «دوران سرکشی» تبریزی در تلویزیون بسیار مورد توجه قرار گرفت اما سریال «سرزمین کهن» او بعد از یخش چند قسمت توقیف شد.

**تی. اس. الیوت:** نویسنده و منتقد آمریکایی-بریتانیایی سال ۱۸۸۸ به دنیا آمد. تی. اس. الیوت از پیششاران جنبش نوسازی و مدرنیزم شعر غربی است که سبک بیان و قافیه‌پردازی اش اشعار انگلیسی را دوباره زنده کرد. از او نمایشنامه‌های مشهوری مانند «قتل در کلیسای جامع» هم به جا مانده است. الیوت یکی از بزرگ‌ترین نقد نویسان ادبی قرن بیستم است و نظریه‌های او اساس نقد نوین را پایه‌گذاری کرد. الیوت سال ۱۹۵۸ جایزه ادبی نوبل را به دست آورد و همان سال هم نشان «مریت» را برای انجام کارهای متمایز در ادبیات و فرهنگ گرفت. او سال ۱۹۶۵ درگذشت.

**مهدی اخوان لنگرودی:** شاعر و نویسنده ایرانی سال ۱۳۲۴ به دنیا آمد. مهدی اخوان لنگرودی هنگام تحصیل در رشته جامعه شناسی در دانشگاه ملی شروع به ترانه سرایی کرد و پس از آشنایی با کوروش یغمایی یکی از ماندگارترین ترانه‌های آن زمان یعنی «گل‌بخ» را سرود. مجموعه اشعار «چوب و عاج»، «آنبوس بر آتش»، «خانه و (سالنا) و داستان‌هایی مانند «آتوبیس»، «درمان»، «پنجشنبه سبز»، «ای بابا پرس»، «در خم آهن» و «توسکا» و آثار چون «ایک هفته با شاملو»، «از کاف نادری تا کافه فیروز» و «خدا غم را آفرید، نصرت را آفرید» از او به جا مانده است. اخوان لنگرودی سال ۱۳۹۹ درگذشت.

**امیرحسین فردی:** مدیرمسئول کیهان بچه‌ها سال ۱۳۲۸ به دنیا آمد. امیرحسین فردی از نویسندگان فعال ادبیات داستانی بود که از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۹۲ سردبیر و مدیرمسئول یکی از محبوبترین مجله‌های کودکان یعنی کیهان بچه‌ها بود. علاوه بر این او نشریه کیهان علمی را تأسیس کرد و در شورای آستان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هم همکاری می‌کرد. از فردی داستان‌هایی مانند «گرگ سالی»، «اسماعیل»، «آشپانه در مه»، «کوچک جنگلی»، یک دنیا پروانه» و «یک مشت نقل رنگی» به‌جا مانده است. او سال ۱۳۹۲ درگذشت.

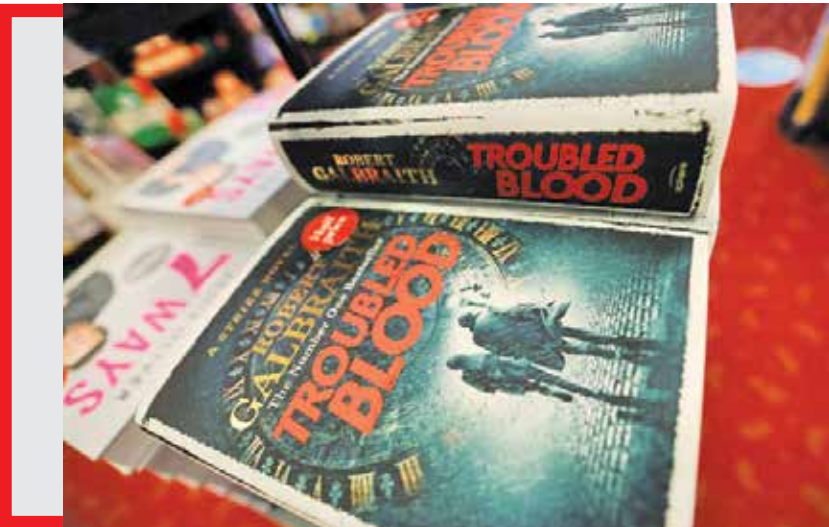
**سعید دبیری** شاعر، **اسماعیل سعادت** نویسنده و مترجم، **محمد مسوا**ت کارگردان، **پیتر سالرز** کارگردان آمریکایی، **میکلوش پانچو** کارگردان مجارستانی و **جرج کروشین** موسیقیدان آمریکایی هم در چنین روزی به دنیا آمدند.

**درگذشت‌ها**

**عباس بلوکی فر:** یکی از برجسته‌ترین نقاشان سبک قهوه‌خانه‌ای سال ۱۳۸۸ درگذشت. عباس بلوکی فر متولد ۱۳۰۳ بود و پس از آشنایی با پیشکسوت نقاشی قهوه‌خانه‌ای یعنی حسین قوللر آغاسی به این هنر علاقه‌مند شد؛ در کنار کار به‌عنوان نقاش در ساختمان‌ها و کنسیدن تابلو برای دیگران، این سبک را یاد گرفت و کم‌کم به مهارت در نقش‌برداری و رنگ‌گذاری رسید. توانایی بلوکی فر در به‌کارگیری رنگ زبازند بود و بسیاری از آثارش مانند تابلوهای جنگ خیبر، رستم و سهراب واقعه مختار در موزه هنرهای زیبا نگهداری می‌شوند.

**پل نیومن:** بازیگر مشهور آمریکایی سال ۲۰۰۸ در چنین روزی درگذشت. پل نیومن بازیگری را با فیلم «جام نقره» در سال ۱۹۵۴ آغاز کرد؛ بازی اش در «آبستان گرم و طولانی» در سال ۱۹۵۸ برایش جایزه بهترین بازیگر مرد جشنواره کن را همراه آورد و پس از آن با بازی در «گریه روی شیروانی داغ» نامزد جایزه اسکار شد. موفقیتش را با فیلم‌های «بیلیارد باز»، «برنده شیرین جوانی»، «ماجراجاری یک مرد جوان همینگوی»، «هاد» و «لوک خوش دست» ادامه داد تا اینکه سال ۱۹۸۶ با «رنگ پول» جایزه اسکار بهترین بازیگر مرد را گرفت. «هیچ کس احق نیست» و «جاده‌ای به سوی تباهی» دیگر فیلم‌های مهم نیومن بودند.

**محرم بسیم** بازیگر و پدیدرکز سینمای ایران هم در چنین روزی درگذشت.



#### عکس نوشت

کتاب جدید نویسنده هری پاتر یک هفته پس از انتشار، پرفروش ترین کتاب بریتانیا شد. «خون در درس‌را» نوشته جی. کی. رولینگ انتقادهای زیادی به همراه داشت. داستان درباره یک قاتل زنجیره‌ای مرد است که با پوشیدن لباس زنان قربانیان خود را قریب می‌دهد و پس از اینکه سایت «تلگراف» شخصیت این کتاب را یک قاتل سریالی ترس خواند، بسیاری به این کتاب انتقاد کردند. سخنان رولینگ درباره ترنس‌ها هم این انتقادها را بیشتر کرد اما با این حال در همین هفته حدود ۶۵ هزار نسخه از «خون در درس‌را» به فروش رسید.